

فرهنگِ امثالِ مردمِ سنخواست

کتب هادی اکبرزاده
انتقال قسم امینی



شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۲۷-۰۴-۴

سرشناسه:	اکبرزاده، هادی، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ امثال مردم سنخواست / بی اکبرزاده، ابوالقاسم امینی؛ ویراستار علمی محسن صیدی
مشخصات نشر:	مشهد: دستور، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	۱۲۶ ص: جدول. نقشه: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.
شابک:	978-622-6727-04-4
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۱۲۵-۱۲۶.
موضوع:	ضرب‌المثل‌های ایرانی -- سنخواست
موضوع:	Proverbs, Iranian-- Sankhast
شناسه افزوده:	امینی، ابوالقاسم، ۱۳۵۷ -
شناسه افزوده:	صادقی، محسن، ۱۳۵۸ -، ویراستار
رده‌بندی کنگره:	PIR ۳۰۲۴
رده‌بندی دیویی:	۳۹۸/۹۶
شماره کتابشناسی ملی:	۵۸۰۸۶۰۲



فرهنگ، امثال مردم سنخواست

دکتر هادی اکبرزاده

ابوالقاسم امینی

ویراستار علمی: دکتر محسن صادقی

طراح جلد: نادر عبدی

نوبت چاپ: ششم، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قلمی

امور فنی و چاپ و صحافی: چاپ سینا

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۲۷-۰۴-۴

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال حق چاپ محفوظ است.

مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۹۱۸۹۵

تلفن: ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷

تلفن پخش: ۰۹۱۵۳۸۴۰۴۲۰

پیام‌نگار: dasturpress93@gmail.com

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۴	جدول راهنمای همخوان‌ها
۱۵	جدول راهنمای واژه‌ها
۱۵	نقشه موقعیت جغرافیایی
۱۹	فرم‌های مثال و درخواست
۱۲۵	منابع و مآخذ

پیشگفتار

امثال و تمثیلات و اصطلاحات رایج در میان هر قوم و ملت یکی از ارکان مهم زبان و ادب آن قوم و نمداری از ذوق و قریحه و صفات روحی و اخلاقی و افکار و تصورات و رسوم و عادات آن ملت است. این امثال در طی هزاران سال در میان اقوام مختلف جهان شکفته و نشر یافته و در هر کشور برحسب اختصاصات قومی و فرهنگی و آداب و سنن و مذهب و حتی وضع جغرافیایی و سیاسی آن کشور ویژگی‌های خاصی پیدا کرده است.^۱

اغلب امثال در لباس استعاره یا کنایه و یا در قالب کلامی موزون و دلنشین بیان شده است و حاوی اندیشه عمیق و سرشار و یا انتقادی شدید و طنزآمیز از رفتار و گفتار آدمیان و نابسامانی‌های اخلاقی و وضع غایب جامعه می‌باشد. این امثال را در روزگاران گذشته مردمانی با ذوق و احساس و شوخ طبع و نکته‌سنج و علاقه‌مند به تربیت و هدایت خلق ساخته‌اند، مردمی که به سبب عشق به حقیقت و راستی و رواج ریاکاری یا فساد اخلاقی در جامعه سخت متأثر شده و برای فرونشاندن خشم و نفرت نسبت به برخی نابسامانی‌ها یا نجات گمراهان و ستم‌دیدگان و بیداری و بیدار شدن آنان آنچه را که در دل داشته‌اند در قالب عباراتی کوتاه و سپهر معنی به نام «مَثَل» آورده‌اند و از طریق هزل و شوخی یا انتقاد و طعن و تمسخر سعی کردند که ما را در راه‌رسدگی بیدار و هوشیار کنند و به ما بیاموزند که وظیفه ما در اجتماع چیست، چگونه باید ناملازمات و دشواری‌ها را تحمل کنیم و در رویارویی با ناکسان و فرومایگان و ابلهان چه روشی را در پیش گیریم، چگونه از اعمال زشت بپرهیزیم، چنان به صفات نیک بگرویم، در کجا

۱- دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها، ابراهیم شکورزاده بلوری، مشهد، به‌نشر، ۱۳۸۰، هفت.

جانب احتیاط را رعایت کنیم و چه کنیم که به دام نیفتیم و در کجا باید روش معقول و مقبول در پیش گیریم تا پشیمان و سرافکنده نشویم، زبان صفات زشت و کردار ناپسند چیست و راه عافیت و سلامت کدام است.^۱

این سخنان کوتاه و سودمند و دلنشین که هر کدام از آنها اندیشه‌ای ژرف و لطیف یا پندی نغز و ظریف در بر دارد به سبب سادگی و روانی و عمق اندیشه در طایفه روزگاران متأخریت یافته و سرانجام در زبان خاص و عام جاری و ساری گشته و نام «مَثَل» به خود گرفته است.^۲

استفاد از مَثَل در گفتار و نوشتار، کلام گوینده را یا نویسنده را آرایش می‌دهد و از خشکی و جمود سخن می‌برد، به عبارت دیگر، مَثَل در حکم نمک و تزیین سخن آدمی است و چون از کلام سلیقه بیشتر به دل می‌نشیند نه تنها مردم عامی بلکه گویندگان و نویسندگان بزرگ نیز در بسیاری از موارد برای تقویت نیروی استدلال و افزایش تأثیر انفعالی سخن خویش به امثال محسوس استفاده می‌کنند. به این طریق، کلام آنها کمال و جمال بیشتری پیدا می‌کند و تأثیر و جاذبه اش افزون می‌شود و در حقیقت، امثال سایه در هر زبان نمک و چاشنی آن زبان است و به مصرع معروف سنایی شاعر قرن پنجم و ششم هجری: «بی نمک هیچ دیگی جوش نیاید»^۳.

شعرا و نویسندگان بزرگ نیز برای بیان مقصود و تفهیم بیشتر سخن خویش به امثال توسل جسته‌اند و عباراتی زیبا و دلنشین آورده و یا ابیات نغز و لطیف به رشته نظم کشیده‌اند.^۴

استفاده از امثال رایج به عنوان چاشنی سخن و زیبایی کلام و استحکام بخشیدن به نیروی استدلال در نزد نویسندگان و گویندگان ادب فارسی - خاصه در شعر در تمامی ادوار ادبی ایران - رایج بوده و در محاورات عادی نیز همواره به کار می‌رفته است.^۵

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

در هر صورت امثال یکی از شاخه‌های بسیار مهم و ارزنده ادبیات و سند معتبر و بی‌چون و چرایی از ادب و فرهنگ روزگار گذشته سرزمین ماست و مطالعه و تحقیق درباره آنها کاری مفید و ارزشمند است و گذشته از فواید ادبی می‌تواند برای شناخت افکار و شیوه تفکر و اخلاق و صفات و روحیات و حکمت عامیانه پیشینیان ما سودمند باشد، لذا سزاوار است کوشش و دقت و حوصله خاصی برای گردآوری این گهرهای گرانبها که بخش مهمی از میراث فرهنگی ما را تشکیل می‌دهد مبذول شود تا این سرمایه‌های گرانبهای بی‌نظیر از خطر نابودی و زوال در امان بماند.^۱

به این دلیل بر آن شدیم که ضرب‌المثل‌های شهر سنخواست^۲ را گردآوری نماییم. ضرب‌المثل‌هایی که تنها در کنج سینه نسل‌های قدیمی مانده بود و نسل جدید با آنها بیگانه بودند برخی را بیگانگی به از بین رفتن مصداق آن مثل‌ها برمی‌گردد. به عنوان نمونه، مثل‌های مربوط به کشاورزی با ادوات اولیه گذشته نمی‌توانند برای نسل جدید نمود عینی و در نتیجه بذهبت و کاربرد داشته باشند. گردآوری این مجموعه همتی درخور می‌طلبید و کار طاقت‌فرسا پر شقتی را در پی داشت. تهیه مجموعه پیش‌رو در مجموع چهار سال به طول انجامید است.

شیوه گردآوری به صورت مصاحبه‌ها، حضوری با سالمندان و کهنسالان شهر بوده و سعی شده است از هر دو جنس در این مصاحبه‌ها شرکت داده شوند. نام این افراد در پایان این بخش خواهد آمد. در گردآوری مثل‌ها سعی ما بر این بوده است که تنها آن دسته از مثل‌هایی مورد توجه قرار گیرند که خاص مردم منطقه است و تا جای ممکن برای خوانندگان آشنا نباشند. به عنوان نمونه مثل، «آب به زبیت» برای اکثر ایرانیان مثلی آشنا و پرکاربرد به شمار می‌رود. این مثل هنوز چند کاربرد در فرهنگ قدیم سنخواست داشته ولی در این تحقیق از آن صرف نظر شده است. سعی شده کاربرد هر مثل نیز بیان شود البته برخی از مثل‌ها بیشتر از یک کاربرد نیز داشته‌اند که ما کاربرد

۱- همان.

۲- سنخواست: از شهرهای استان خراسان شمالی است که در بخش جلگه سنخواست از توابع شهرستان جاجرم قرار گرفته است. فاصله این شهر که در بین دو شهر اسفراین و جاجرم واقع است تا بجنورد حدود ۱۱۰ کیلومتر است و در سال ۱۳۸۵، تعداد ۲/۱۱۴ نفر جمعیت داشته.

دیگر آن را هم آورده‌ایم. برای برخی از مثل‌ها کاربردی ذکر نشده است که دلیل آن، عدم دریافت توضیحات هماهنگ و منطقی و قانع کننده از جانب مصاحبه‌شوندگان است. گاه برای مثلی معادل امروزی در فارسی معیار هم آمده است هرچند مطابقت بین آنها هدف این تحقیق نبوده است، به هر حال، ذکر این معادل‌ها باعث شده است که دیگر توضیحات و کاربردی برای آن مثل نیاز نباشد و حق مطلب از این طریق ادا گردد. تلفظ هر مثل به صورت علائم خاصی نوشته شده است که راهنمای آن علامت‌ها در انتهای این بخش آورده می‌شود. بخش عظیمی از مثل‌ها که اشاره به آلات جنسی و روابط مربوط به جنس‌ها مخالف می‌گردد در این تحقیق به طور کلی حذف گردیده است که امید است در تحت «دیگر تحت عنوان "فرهنگ داستان‌ها، سخنان و اصطلاحات مخفی مردم سنخواست" در اسرار علاقه‌مندان قرار گیرد.

افرادی که در طی این راه پیدر پی ما بوده‌اند و علاوه به بیان امثال، کاربرد و معنی مثل‌ها را با حوصله و دقت برای ما توضیح دادند عبارتند از: حاج علی‌اکبر طاهری، علی‌نقی اسماعیلی، حاج علی‌اصغر امینی، حاج طوبی صمدی، رقیه محمّدپور، توران (بی‌بی) امینی، صنعت بابایی و حاج علی‌امینی.

افرادی که در ارائه ضرب‌المثل‌ها همکاری داشتند به ترتیب بیشترین مقدار همکاری به این شرح می‌باشند: دکتر محمدرضا عبدی، زهرا محبّه، حسین شکور، فهیمه امینی، حاجیه صغری مین‌باشی، اسماعیل هامون‌نورد، محمّد، نیا سالاری (روح‌الله)، حاج علی‌اصغر اسکندری، محمدرضا ایمانی، محمدرضا دوری، علی‌محمد، محمّد شریعتی، علیرضا یزدانی (حاج ابراهیم)، ابراهیم نوری‌زاده، علی‌مین‌باشی (حاج طالب)، علی صمدی (حاج صمد)، سعید بهشتی، عباس داوری، محمّد رضایی (نقی)، رضا مرتضوی (میرزا محمّدعلی)، محمدرضا مین‌باشی (حاج حسن)، سید حسن مرتضوی (سید عبداللّه)، حاج ابراهیم اسماعیلی، اشرف اسماعیلی، رضا مینایی، تقی محمّدپور، محسن محمّدی، حسن جاجرمی، محمدرضا قربانی (صفر)، حسن سپاسی، مرحوم حسین شاکری، حسین بیابانگرد و نظرعلی بیابانگرد، رضا شاهرودی،

دکتر یاسر شاهرودی، مرضیه پیلتن، محسن مرتضوی، علی صمدی، عباس شاکری،
میرزا علی اکبر مرتضوی، رضا و کیمیا امینی (کربلا فیض الله).

از حاج قدرت مسعودی، تقی رضایی که گاه با دقت و بینش خود ظرافت‌هایی را در
مثل‌ها گوشزد می‌کردند و در طول این سال‌ها در شرح و توضیح بسیاری از مثل‌ها با
گشاده‌رویی ما را یاری کردند سپاس‌ها داریم و نیز از آقای عارف امینی که با دقت زیاد
در خواندن و تطبیق و غلط‌گیری متن کوشیده‌اند و یادآوری‌های ارزشمندی نموده‌اند
سپاسگزاریم. الحمد لله اولاً و آخراً.

| خرداد ۱۳۹۸ |

| هادی اکبرزاده، ابوالقاسم امینی |

www.ketab.ir